

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ اپریل ۲۰۲۲

بازی پیچیده روسها با طالب!

شنبه - ۲۰ حمل ۱۴۰۱ - کابل: خلاف چند ماه و چند هفته قبل که اوضاع افغانستان و هر نوع گزارشی از اینجا در سر خط تمام اخبار و رسانه های داخلی و خارجی قرار داشت، از یکطرف تهاجم خونبار فدراسیون روسیه در پاسخ به دخالت های براندازنده ناتو علیه روسیه بالای آله دست ناتو اوکراین و از جانب دیگر طرح استیضاح "عمران خان" صدر اعظم پاکستان و افتضاحاتی که در پی داشت، در بطن سانسور شدید خبری حاکم شده از جانب طالب و نظام ملاسالار، برخورد و اطلاع رسانی نسبت به قضایای افغانستان را از دید رسانه ها چنان به عقب رانده، که کمتر رسانه و یا خبرنگاری تمایل دارد خود را با آن مصروف بسازد، در بطن چنین اوضاعی می بینیم حال که امپریالیسم امریکا و شرکاء جسد مذبوح افغانستان را در میدان رها کرده اند، لاشخور های دیگری در هیأت چین و روسیه، بسیار آرام و خزانده می کوشند تا از درماندگی نظام ملا سالار سود جسته، میخ های نفوذ خودشان را بر زمین سیاست این کشور محکم و محکمتر فرو ببرند. از جمله به این دو خبر در رابطه با روسیه توجه نمائید:

۱- هفته قبل رسماً اعلام شد که دولت روسیه نه تنها یک تن از فرستادگان طالب را به مثابه کارمند رسمی سفارت افغانستان در مسکو به رسمیت شناخت بلکه با سپردن سفارت به وی به مانند پاکستان گام بلندی در جهت شناسایی این رژیم نیز برداشت.

۲- امروز سپوتنیک مخصوص افغانستان که با تمام ادعاهایش بخشی از رسانه های دولتی می باشد، خبری با این محتوا را پخش نمود:

(حزب دموکراتیک خلق به ضد طالبان در کابل اعلام موجودیت کرد)

یک جبهه دیگر نظامی ضد طالبان به نام «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» در کابل اعلام موجودیت کرد. اعضای این حزب در نوار تصویری می گویند: «هر زمانی که هدایت از سوی رهبری حزب داده شد، قیام مسلحانه را آغاز می کنیم.»

هموطنان گرامی!

اهمیت این دو خبر و پیوند بین آنها زمانی می تواند درک گردد که بدانیم:

*- نهادی به اسم «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» نه تنها از همان آغاز پیدایش و تولد نامیومش به مثابه ابزار و چماق سوسیال امپریالیسم شوروی پای به عرصه وجود گذاشت، بلکه در تمام دوران حیات ننگین و خونبارش چه قبل

از فاجعه خونبار ثور و پیامد اسارت آور آن ۶ جدی ۱۳۵۸ و چه بعد از آن همیشه، مجری نیات و اهداف شوروی متوفا بوده است؛

*- آن نهاد جنایتکار و آلوده به ننگ وطنفروشی، در عمل بعد از تمکین های مکررش در مقابل امپریالیسم و ارتجاع، رسماً با تغییر نامش به حزب وطن، انحلال تشکیلات قبلی اش را اعلام داشته است؛

*- از آن تاریخ به بعد فعالیت اعضای این حزب از تقسیمات به طرفدران "پرچم" و "خلق" که بگذریم، عمدتاً جناح خلقی آن در دو طیف فعال بوده اند. بخشی از آنها که بیشتر کادر های نظامی جناح خلق آن نهاد آلوده به ننگ را می ساختند، با پذیرفتن قلاده بردگی پاکستان در خدمت طالب قرار گرفته، در واقع بخش متخصصان نظامی طالب را تشکیل دادند و تعداد دیگر، خود را به روسیه رسانده، با تحمل تمام فراز و نشیب ها حین استحاله شوروی به روسیه و "ک. ج. ب." به "اف. اس. ب."، به مانند سالهای پارد در خدمت "اف. اس. ب." یعنی جانشین "ک. ج. ب." باقی مانده به جاسوسی شان ادامه دادند.

هموطنان گرامی!

حال وقتی می خوانیم که از یک سوبادار(روسها) در صدد احیای توانمندیهای های نظامی شوروی متوفا و بسط و گسترش ساحه نفوذ خودش است و از سوی دیگر گام بلندی در جهت شناسائی و همکاری دراز مدت با طالب بر می دارد و همزمان با آن توله سگان جنایتکاروابسته به استخبارات روس، از اعلام موجودیت و آمادگی نظامی شان صحبت می نمایند، باید متوجه باشیم که روسها از فرصت استفاده نموده، می خواهند از یک سو افسار خر طالب را با کشیدن آنها در سفارت خانه ها در اختیار داشته باشد و از سوی دیگر با خرچکه به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" آنها را وادار سازد تا در همان مسیری طی طریق نمایند، که مسکو از قبل نشان داده است؛ ورنه نیروهای نظامی "حزب" که در استخوانبندی رهبری طالب جای خوش کرده اند، به قیام نظامی دست خواهند یازید.

هموطنان گرامی!

بدر نظر داشت این که وضعیت کنونی افغانستان و تمام ویرانی های بیش از ۴ دهه اخیر، نتیجه مستقیم کودتای خونبار مزدوران روس در ۷ ثور ۱۳۵۷ است و با در نظر داشت این که باند موسوم به "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" چیزی به جز ابزار خدمت به بیگانگان و ماشین کشتار علیه خلق افغانستان نبوده، باید متوجه باشیم که ورود مجدد آنها بعد از اینهمه سال سکوت، آغاز بازی جدید و پیچیده ایست که اگر بی توجهی بدان صورت گیرد و مبارزه لازم در تمام ابعاد علیه آنها صورت نگیرد، در صورت توفیق به اهداف شان، مجدداً افغانستان را به باتلاق خون جدیدی مبدل خواهند نمود. باید این را بدانیم که این جراثیم فقط در بدن بیمار امکان رشد دارند، حاکمیت مشترک امپریالیسم و ارتجاع در وجود طالب و بقیه نهاد های ارتجاعی، کشور ما را به همان بدن بیماری مبدل ساخته که هر ویروسی در آن امکان نفوذ و بقاء می یابد، پس برای رهائی وطن می باید با مبارزه مشترک علیه بستر و محیط جراثیم یعنی حاکمیت دست نشانده، زدودن جراثیم از قماش باند های خلق و پرچم را فراهم نمائیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!